

حجیت نظر کارشناس

سید یوسف حسینی

قاضی دادگستری آذربایجان



مقدمه:

برخی از موضوعات از پیچیدگی خاصی برخوردار می‌باشند که تشخیص آنها خیرویت و تخصص لازمی را می‌طلبد. که با اعمال معلومات فنی و تخصصی حقیقت موضوع روشن می‌شود از این رو رجوع به کارشناسان و خبرگان جهت انجام تحقیقات و کشف واقعت در موضوعات ترافعی و قضایی، و نیز در این راستا بحث از شرایط علمی و اخلاقی و مناط اعتبار بودن گزارش آنان از ضروریات می‌باشد. مانند:

ارزیابی و تعیین میزان خسارات ناشی از تصادفات و سائط نقلیه، تشخیص اصالت خودرو و دستکوبی شماره‌های موتور و شاسی، تعیین ارزش سهام و

سهم‌الشرکه شرکتها و کارخانجات، کارشناسی خط و امضاء، ارزیابی نفقه و کسوه، ارزیابی و تعیین ارزش اموال منقول، ارزیابی ساختمانها و اراضی شهری و غیرمزروعی، تعیین اجاره بها و اجرت‌المثل و امور مربوط به ابنیه و برآورد خسارت آنها، تعیین سرقفلی و حق کسب و پیشه، تشخیص و تطبیق و تعیین حدود ثبتی و اختلافات ملکی، تشخیص حسن انجام کار، ارزیابی اراضی مزروعی، باغات، محصولات کشاورزی و اغنام و احشام و تشخیص اراضی دایر و بایر، تعیین اجاره بها و اجرت‌المثل و عایدات کشاورزی، ارزیابی کارخانجات، صنایع، ماشین‌آلات سبک و سنگین و برآورد خسارت و ارزیابی آنها، تعیین و تشخیص علت فوت و قتل و صدمات بدنی، تعیین ارزش جزایی و حقوقی و تعیین بهای خواسته در صورت اختلاف اصحاب دعوا و غیره... که می‌بایست توسط کارشناسان و ارباب‌فن معلوم گردد تا اینکه دادرس با حصول شرایط دیگر نسبت به رسیدگی و صدور حکم قضیه اقدام بنماید.

حکم تابع موضوع است با تبدیل موضوع حکم نیز تغییر می‌کند با تقرّر آن حکم نیز تقرّر می‌یابد. موضوع مجهول با تشخیص کارشناس معلوم و جهات تاریک و ابهام آن برطرف و چهره واقعی آن نمایان می‌شود.

در واقع کارشناس، موضوع‌شناسی و دادرس، حکم‌یابی می‌کند و حکم واقعه را با حصول شرایط دیگر بر موضوع حمل می‌کند از این‌رو که حکم دادرس تبعیت از موضوع‌شناسی کارشناسی می‌کند اهمیت آن روشن می‌شود.

در قوانین موضوعه چه قدیم‌التصویب و چه جدیدالتصویب موضوع رجوع به خبرگان و کارشناسان و اعتبار گزارش آنان و شرایط و صلاحیت علمی و اخلاقی آنها مورد توجه قرار گرفته است و لیکن قانونگذار مبنای واحدی را در شرایط و ضوابط لازمه به جهت اعتبار نهادن به نظریات خبرگان و کارشناسان انتخاب ننموده، بلکه به طور پراکنده شرایط و ضوابط خاصی را در آنها لازم

دانسته است ما در این نوشتار با بضاعت مزجاة خود موضوع حجیت نظریه کارشناس را از جهت مناط و ملاک اعتبار قضایی مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهیم اما قبل از اینکه به تفصیل وارد بحث شویم به ذکر مواردی از قوانین موضوعه می‌پردازیم.

قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۲۳ بهمن ماه ۱۳۱۷ پیرامون شرایط علمی و اخلاقی کارشناسان رسمی اشعار می‌دارد.

ماده ۲- شرایط کارشناسان رسمی از قرار زیر است:

۱) داشتن تخصص کامل در علم یا فنی که داوطلب کارشناسی در آن هستند. ۲) داشتن بیش از ۲۵ سال. ۳) عدم شهرت به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون. ۴) نبودن تحت ولایت و قیمومت. ۵) عدم محکومیت به جنایت و محکومیت به جرحه‌یی که مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی بوده و یا مستلزم محرومیت از شغلی است که تخصص در آن دارند و همچنین عدم محکومیت به کلاهبرداری و خیانت در امانت و سرقت و ورشکستگی به تقلب و جرحه‌های مذکور در این قانون. ۶) عدم محکومیت به انفصال از خدمات دولتی.

لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب یکم آبان ۱۳۵۸

شورای انقلاب در ماده ۱۰ می‌گوید:

به اشخاص زیر حسب نیاز و اعلام وزارت دادگستری از طرف کانون پروانه کارشناسی داده می‌شود: الف) کسانی که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر در رشته مورد درخواست بوده و دارای پنج سال سابقه کار در رشته مزبور در ادارات دولتی یا شرکتهای معتبر خصوصی باشند و دوره کارآموزی را با موفقیت به پایان رسانیده باشند. ب) متقاضیان باید فاقد پیشینه محکومیت جرایم مذکور در ماده ۱۹ قانون مجازات عمومی و تبصره ۱ آن باشند. ج) سوء شهرت نداشته باشند. د) سن آنان کمتر از سی نباشد. ه) به مواد مخدر معتاد نباشند.

مستفاد از مادتين فوق‌الذکر این است که قانونگذار شرایط، اخلاقی و علمی و سنی

برای متقاضیان کارشناسی رسمی لازم دانسته است که با احراز آن شرایط می‌توانند

متقاضی کارشناسی رسمی دادگستری باشند و آیا دارا بودن چنین شرایطی در متقاضیان کارشناسی برای اعتبار و حجیت نظریه آنها در موضوعاتی که اظهار نظر می‌کنند در نزد دادرس کافی است یا نه؟ صرف نظر از اینکه این دو قانون نسبت به آن مسکوت است محل بحث و مناقشه می‌باشد و در ماده پنجم و یازدهم دو قانون مذکور موضوع اتیان سوگند کارشناسان رسمی را با تشریفات خاصی مطرح نموده که ما فقط به جهت اختصار به ذکر ماده ۱۱ از لایحه قانونی استقلال کارشناسان رسمی مصوب یکم آبان ماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب اکتفا می‌کنیم.

کارشناسان رسمی جدید در موقع اخذ پروانه باید در جلسه رسمی هیأت مدیره سوگند یاد کنند متن سوگندنامه به شرح زیر است:

«به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم در امور کارشناسی که به من ارجاع می‌گردد خداوند متعال را حاضر و ناظر دانسته به راستی عقیده خود را اظهار نمایم و نظریات خصوصی را در آن دخالت ندهم و تمام نظر خود را نسبت به موضوع کارشناسی اظهار نمایم و هیچ چیز را مکتوم ندارم و برخلاف واقع چیزی نگویم و ننویسم.»

ولکن از نظر موازین فقهی موضوع سوگند یاد نمودن کارشناسان نمی‌تواند ملاک و معیار حجیت و اعتبار نظریات آنان باشد. اکنون به مواردی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ توجه کنید.

ماده ۳۷۱- تشخیص رویدن مجدد و نرویدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شده و بعد از آن دوباره روید باید مقدار زاید بر ارش به جانی مسترد شود.

ماده ۴۴۸- مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن دو نفر خبره عادل می‌باشد و اگر در اثر اختلاف رای خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم است.

ماده ۴۵۱- هرگاه معلوم باشد که حس شنوایی بر نمی‌گردد یا دو نفر عادل اهل خبره گواهی دهند که بر نمی‌گردد دیه مستقر می‌شود و اگر اهل خبره امید به برگشت آن را پس از گذشت مدت معینی داشته باشد و با گذشتن آن مدت شنوایی برنگردد دیه استقرار پیدا می‌کند و اگر شنوایی قبل از دریافت دیه برگردد ارش ثابت می‌شود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد نمی‌شود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود.

تبصره ماده ۴۵۲- هرگاه دو نفر عادل اهل خبره گواهی دهند که شنوایی از بین نرفته ولی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوایی است همان دیه شنوایی ثابت است.

ماده ۴۵۹- در صورت اختلاف بین جانی و مجنیّ علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینایی از بین رفته و دیگر بر نمی‌گردد یا اینکه بگویند امید به برگشت آن هست ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می‌شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدت متعارفی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینایی برنگردد دیه ثابت خواهد بود.

ماده ۴۶۹- اگر با مراجعه به دو نفر کارشناس عادل مقدار جنایت روشن شود طبق آن عمل می‌شود وگرنه در صورت لوٹ یا قسامه مدّعی حسب مورد حکم به نفع او صادر خواهد شد.

ماده ۴۹۳- اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشأ انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد دیه و ارش ندارد و ممکن است اگر در اثر آن صدمه‌ای بر مادر وارد شده باشد بر حسب مورد جانی محکوم به پرداخت دیه یا ارش خواهد بود.

ماده ۴۹۵- در کلیه مواردی که به موجب مقررات این قانون ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین می‌شود.

با مطالعه این مواد و دسته‌بندی مفاد آنها از حیث شرایط خبرگان و کارشناسان که ذیلاً ذکر می‌گردد حاکی از این است که قانونگذار در ارجاع موضوعات به اهل خبره و کارشناس از منشأ واحد و مبنای یکسانی پیروی نکرده و مبانیش گونه‌گون و مضطرب می‌باشد.

الف) در مواد ۳۷۱ و ۴۵۹ و ۴۹۳ موضوع رجوع به خبره و کارشناس و نظر پزشک متخصص مطرح شده است و لکن تعدد، عدالت، نظریه به عنوان گواهی باشد یا نه و نیز از حیث مرد و زن بودن مسکوت است.

ب) در ماده ۴۴۸ و ۴۶۴- تعدد خبره، عدالت آنها را بیان نموده و لکن از جهت اینکه خبره مرد باشند یا زن یا تلفیقی از آنها و همین‌طور به عنوان شهادت اظهار نظر نمایند یا نه مادّین مسکوت هستند.

ج) در ماده ۴۵۱ و ۴۵۲- تعدد و خبره و عدالت و اینکه اظهار نظر آنها به عنوان گواهی باشد بیان شده و لکن از جهت مرد و زن بودن، مادّین مسکوت می‌باشند.

ه) در ماده ۴۵۹، تعدد، مرد بودن یا تلفیقی از ذکور و اناث و نیز عدالت خیره و همین‌طور به عنوان شهادت اظهار نظر نمایند مطرح شده است.

این مواد و دسته‌بندی که از مفاد آنها شد بیانگر این است که نظر قانونگذار در شرایط لازمه خبرگان و کارشناسان از جهت اعتبار گزارش آنها یکسان نبوده و بر چهارگونه مشی نموده است در حالی که در همه آن موضوعاتی که در مواد مذکور بیان شده به کارشناس یا خبره ارجاع می‌شود تا اینکه وی موضوع را از ابهام خارج نماید و تمایز و تفارقی بین آن موضوعات نیست که در بعضی مبنایی را اتخاذ نمود که نتوان آن را به دیگر موضوعات تسری داد.

قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸-۶-۲۸ در ماده ۷۸ بیان می‌دارد:

معاینه محل توسط قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی انجام می‌شود... و قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹-۱-۲۱ در ماده ۲۵۸ اشعار می‌دارد:

«دادگاه باید کارشناس مورد وثوق را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است انتخاب نماید.» و در ماده ۲۶۵ همان قانون بیان می‌دارد: در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.

مستفاد از مواد مذکور این است که مادتهای ۷۸ و ۲۵۱ از قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی تنها «وثاقت» را در کارشناس منتخب اعتبار نموده است.

و ماده ۲۶۵ از آیین دادرسی در واقع یک قیدی بر ماده ۲۵۸ است. یعنی کارشناس علاوه بر اینکه باید «ثقه» باشد نظریه‌اش پیرامون موضوع ارجاعی باید با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت هم داشته باشد و الا اعتبار نخواهد داشت و نتیجه اینکه در مقام تعارض نظریه کارشناس با اوضاع و احوال محقق معلوم مورد

کارشناسی، نظریه کارشناس اعتبار و ارزش نخواهد داشت.

رجوع به اهل خبره در متون فقهی:

در متون فقهی بسیاری از موضوعات عرفی صرفاً به جهت تشخیص و تبیین آنها رجوع به اهل خبره می‌شود که با اظهار نظر خبره و تحریر موضوع توسط آنان احکام بر آن موضوعات حمل می‌گردد. در متون فقهی اصطلاح به کار رفته نوعاً «اهل الخبره» و «اهل المعرفة» می‌باشد.

در مجموعه گرانقدر جواهر الکلام واژه ترکیبی - «اهل الخبره» هشتمین مورد ذکر شده است و همین‌طور در سایر کتب فقهی به موضوع مورد استناد و ارجاع و بعضاً به احکام آن پرداخته شده است. مثلاً در خصوص اینکه ملاک و معیار در اختلاف خبرگان چیست نظریاتی مطرح شده که به یک نمونه آن اشاره می‌شود.

إذا اختلف الخبراء في تقويم المبيع فقومه احدهم بعشرة صحيحاً وثمانية معيباً و قومه الآخر صحيحاً يأتني عشر ديناراً و معيباً بعشرة اخذنا النصف من كل من القيمتين للصحيح و النصف من القيمتين للمعيب فتكون القيمة أحد عشر والمعيبة و ان كان المقومون ثلاثة اخذها الثلث او اربعة اربع و هكذا قال شيخ الانصاري (ره) «هذه القوي» و عليه معظم الفقهاء لان العمل بقول خبير دون خبير ترجيح بلامرجح والعمل بالكل متعذر و طرح الجميع لا يحل المشكلة فتعين العمل بالبعض من كل قول.^(۱)

ترجمه:

اگر کارشناسان در قیمت‌گذاری اختلاف نمایند. یکی صحیح آن مبیع را به ده دینار و معیّب را هشت دینار قیمت‌گذاری نماید. و دیگری صحیح آن مبیع را دوازده دینار و معیّب را ده دینار قیمت‌گذاری نماید. در این صورت نصف قیمت صحیح از دو نظریه و

نصف از دو نظر در خصوص معیب آن را اخذ می‌کنیم که قیمت صحیح و سالم آن میباید یازده دینار و معیب آن نه دینار خواهد بود و اگر قیمت‌گذاران (کارشناسان) سه نفر باشند ثلث نظریه آنها را و همین‌طور چهار نفر باشند ربع نظریه هر کدام را اخذ و محاسبه می‌کنیم. به نظر شیخ انصاری (ره) این روش جمع بین نظریه خبرگان قویتر است و بسیاری از فقیهان این نظر را انتخاب نموده‌اند. به جهت اینکه معتبر دانستن نظریه کارشناس اول بدون توجه به نظر کارشناس دیگر ترجیح بلامرغ است و اعتبار دادن به هر دو نظریه و عمل بدان متعذر است و ممکن نیست و رد نمودن هر دو نظریه مشکل را حل نمی‌نماید بنابراین عمل نمودن به بخشی از هر نظریه متعین است. [

در ابواب فقه رجوع به کارشناس از آن حیث که موضوع مجهول می‌باشد و ضرورت دارد که با تحریر و تبیین موضوع حکم آن نیز معلوم شود مورد ارجاع می‌باشد. در مقام تخاصم و تجاذب چنانچه موضوع دعوا از جهتی یا جهاتی معلوم نباشد و به اصطلاح متون فقهی دعوا غیر محرر باشد ارجاع به خبره می‌شود تا خبره تحریر محل ترافع نماید و دادرس با حصول دیگر شرایط حکم قضایی موضوع مطروحه را صادر نماید.

به هر حال بررسی اعتبار و حجیت نظریه خبره از نقطه نظر فقهی عموماً و موضوعات ترافعی خصوصاً دارای اهمیت می‌باشد.

بعضی برای حجیت نظریه خبره به آیه شریفه «فاسئلوا اهل الذکر»^(۱) استدلال نموده‌اند مانند:

«ان قوله تعالى: «اهل الذکر» ظاهر فی اهل الخبره فیدل علی حجیة قول اهل الخبره لوجود تفاسیر مختلفه لاهل الذکر فی کلمات المفسرین فی بعضهم فسرّه بالقرآن لانه من اسامی القرآن... لکن الصحیح ان المراد منه اهل العلم عامه و ان کان واحد من هذه الاحتمالات بیان لمصدق من المصادیق و تفسیر لآیه بالمصدق كما هو المتداول و الواردة فی کثیر من کتب التفسیر و

کذا الروایات و ذلك باعتبار ان الذکرى اللّغة بمعنى العلم مطلقاً و من دون تقييد و خصوصية و تشهد عليه ملاحظة موارد استعمال هذ المادة و مشتقاتها في القرآن الکریم كقوله تعالى: «لعلهم يتذکرن» فيكون المراد من كلمة الاهل كل من كان عالماً و خبيراً في موضوع من الموضوعات و مسألة من المسائل و لواجه لتخصيصه بمصداق دون مصداق^(۱)»

ترجمه:

إهمانا در کلام خداوند تعالی «اهل الذکر» ظهور در اهل خبره داشته از این رو دلالت بر حجیت و اعتبار نظریه و گزارش اهل خبره دارد. در خصوص اینکه «اهل الذکر» چه کسانی هستند تفسیرهای مختلفی در بین مفسران مطرح شده است. بعضی آن را به قرآن تفسیر نموده اند به جهت اینکه «ذکر» از اسامی قرآن است... و لکن نظر صحیح و صواب آن است که مقصود از «اهل الذکر» همان صاحبان علم و دانش و بینش هستند، هر یک از این احتمالاتی که در تفسیر «اهل الذکر» گفته اند، بیان مصداقی از مصداقی آن بوده و در واقع تفسیر آیه به مصداق می باشد. چنانکه این شیوه متداولی در بسیاری از کتابهای تفسیری و نیز روایات است و اینکه چرا «اهل الذکر» همان اهل خبره می باشد این است که ذکر در لغت به معنای مطلق علم می باشد بدون تقييد و خصوصیتی و ملاحظه موارد استعمال این ماده و مشتقات آن در قرآن کریم مانند کلام خداوند تبارک و تعالی «لعلکم يتذکرون» بر آن شهادت و گواهی می دهد. بنابراین منظور و مقصود از کلمه «اهل» در این آیه این است که هر کسی که عالم و دانا باشد در موضوعاتی از موضوعات و مسأله ای از مسایل و وجهی برای تخصیص آن به مصداقی بدون مصداق دیگر نیست.]

به این استدلال مناقشاتی شده که به یک نمونه آن اشاره می شود:

«قد فسّر اهل الذکر بأهل العلم و الاطلاع و هو صادق بالنسبة الى كل فئة بحسبه فالرواة بالنسبة الى المجتهد من أهل الاطلاع و علم المجتهدین بالنسبة الى العوام أهل العلم، والائمة و

الانبياء بالنسبه الى جميع البشر أهل الذكر و العلم فيمكن أن يستدل بها على حجّية جميع ذلك كلّ بحسبه و يرد عليه وجود تقتصر منها على مايلي:

۱- ما أثرنا اليه - من عدم الملازمة بين وجود السؤال و وجوب القبول تعبداً...»^(۱)

ترجمه:

[[اهل ذکر را به اهل علم و اطلاع و صاحبان دانش تفسیر نموده‌اند و این تفسیر نسبت به هر گروه از ارباب حرفه و تخصص صدق می‌کند.

راویان نسبت به مجتهدین اهل اطلاع و نیز مجتهدین نسبت به عوام، اهل علم و ائمه و انبیاء(ص) نسبت به همه بشر اهل ذکر و علم هستند. از این رو ممکن است به این آیه بر حجیت همه آنها «هر اهل اطلاعی نسبت به حرفه و تخصص او» استدلال نمود. و لکن به این نظریه اشکالاتی وارد است که ما به اختصار بعضی از آنها را ذیلاً بیان می‌نماییم.

اول - آنچه ما به آن دسته یافته‌ایم این است که هیچ‌گونه ملازمه‌ای بین وجوب سؤال و وجوب قبول تعبدی آن نیست... |

ایراد فوق را می‌توان به بیان ساده‌تر این‌گونه تقریر نمود که آنچه آیه مذکور دلالت دارد وجوب سؤال است اگر چه مراد از اهل ذکر همان تفسیری باشد که گفته شد یعنی تفسیر موسع از اهل که شامل کارشناسان و خبرگان نیز باشد. اما وجوب قبول از مفهوم و مفاد این آیه به دست نمی‌آید بنابراین هیچ‌گونه تلازمی بین این دو یعنی وجوب سؤال و قبول نمی‌باشد.

مبانی حجّیت و اعتبار گزارش کارشناس:

مبانی اول - علم

علم یک طریق عقلی برای رسیدن به واقعیت است و طریقت و کاشفیت آن از

۱- السيد محمود الهاشمی - بحوث فی علم الاصول - مباحث الحجج و الاصول العلمیة - الجزء اول ص ۳۸۳

حقیقت و واقعیت روشتر از سایر طرق اثبات است و اعتبار و ارزش علم بیش از سایر طرق از جمله بینة معتبره شرعیه است. البته علم معتبر در این مقام آن علمی است که از طریق اسباب متعارف و عادی حاصل شده باشد. اگر چنین علمی برای دادرس در موضوعی به وسیله گزارش و نظریه کارشناس حاصل شد معتبر و حجت است.

در این مبنا تنها ملاک و معیار حجیت - علم آوری - نظریه کارشناس است. دیگر فرق نمی‌کند شخص کارشناس کبیر باشد یا صغیر، فاسق باشد یا عادل، مسلم باشد یا کافر، زن باشد یا مرد یک نفر باشد یا چند نفر، ایرانی باشد یا غیر ایرانی، چرا که ملاک همان علم آوری نظریه کارشناس است که این اوصاف هیچ‌گونه مداخلیتی در آن ندارد و در حقیقت وصف حجیت برای علمی است که از طریق نظریه کارشناس حاصل شده است. اگرچه این مبنا متقن است به جهت اینکه حکم دادرس از نقطه علم و اتقان صادر می‌شود ولکن در بسیاری از موارد رسیدن به چنین علمی دشوار است، بعضاً موضوع کارشناسی دارای چنان پیچیدگی خاصی است که خود اهل فن و حرف در آن به اتفاق نظر نمی‌رسند.

وفق این مبنا است آنچه در استفتائات فقهی قضایی از فقیهان سؤال شده و بدان فتوا داده‌اند:

س - نظریات کارشناسان از قبیل پزشکی قانونی، افسران راهنمایی و مانند آنان را از چه بابی حجت می‌دانید؟

ج - ملاک در باب قضاوت علم حاکم شرع یا اقرار مجرم یا بینة معتبره است و امور مذکوره اگر موجب علم و اطمینان حاکم شوند یا در بین آنها بینة معتبره باشد مفید خواهند بود والافی نفسه اعتبار و حجیتی ندارد.^(۱)

س - نظریه پزشکی قانونی آیا جزء ادله محسوب می‌شود یا قرینه بر علم قاضی

است؟

ج - جزء ادله محسوب نمی شود، بلی اگر قاضی بدین وسیله علم پیدا کرده است، می تواند طبق علم خود عمل کند.^(۱)

س - رجوع به اهل خبره در موارد تجویز شده قول آنان حجیت دارد یا اختصاص به موارد خاص دارد، در صورتی که اختصاص به موارد معینی داشته باشد، استدعا می شود موارد آن را تعیین فرمایید.

ج - رجوع به اهل خبره در هر موردی که از قول او علم یا اطمینان حاصل شود بی اشکال است در غیر این صورت موارد مختلف است در بعضی موارد وثوق کافی است و در بعضی موارد عدالت و تعدد معتبر است.^(۲)

مبنای دوم و سوم را با تمهید چند مقدمه پی می گیریم

اگر نظریه و گزارش خبره و کارشناس را مبتنی بر این نهیم که آن «روایت» است یا «شهادت» و به بیان دیگر آیا تعدد و عدالت در آن معتبر است یا اخبار شخص واحد ثقه یا عدل کافی است در این صورت ابتدای موضوع بر این مسأله چند پیش فرض را می طلبد.

اولاً: ادله حجیت روایت اختصاص به احکام کلیه نداشته باشد بلکه بتوانیم از آن ادله عمومیت و شمول را استفاده نماییم به طوری که ادله حجیت سماع روایت هم شامل احکام کلیه باشد و هم موضوعات خارجی. والا عدم اثبات عمومیت و شمول از ادله مانع از ابتدای موضوع بر آن خواهد بود که به این موضوع ذیل مبنای دوم خواهیم پرداخت.

ثانیاً: مراد از شهادت (بینه) در لسان ادله شاهد واحد را شامل نمی شود. بلکه

۱- آیه الله محمد فاضل لنکرانی - جامع المسائل استفتائات ج اول ص ۵۱۷

۲- آیه الله گلپایگانی (ره) - مجموعه استفتادات قضایی ص ۹۵

شهادت مؤثر دارای اثر قضایی همراه با تعدد است. با این دو مقدمه و تمهید به بررسی دو مبنا می‌پردازیم.

مبنای دوم - خبر واحد

مبنای دوم بر این اساس استوار است که گزارش کارشناس از باب «قاعده حجیت خبر واحد در موضوعات» معتبر و دارای ارزش باشد و این مبتنی بر این خواهد بود که بتوان حجیت این قاعده در موضوعات و یا عدم حجیت آن را که یک حکم فقهی است با توجه به منافع فقهی استنباط نمود.

نظریات در حجیت و اعتبار خبر واحد در موضوعات خارجی:

نظریه اول - خبر واحد در موضوعات بالحاظ «وثاقت» مخبر در نقل و اخبار حجت است. البته در موضوعات قضایی وثوق شخصی ملاک و معیار است نه وثوق نوعی چون مقام تجاذب و قضاء است. بر حجیت خبر واحد در موضوعات خارجی به دو استدلال ذیل می‌توان اشاره نمود.

الف) عموم قیاس اولویت - بدین تقریر، همان طوری که به واسطه اخبار واحد (احکام شرعی) ثابت می‌شود در موضوعات خارجی به طریق اولی ثابت خواهد شد.

ب) بنای عقلا از جمله ادله محکم و متقن برای حجیت خبر واحد در موضوعات بنای عقلا و خردمندان است به طوری که عقلاء اعتماد می‌نمایند به اخبار واحد «تقه» در امور زندگی خود و این بنای عقلانی مورد اعتماد شارع قرار گرفته از جمله آیه شریفه ذیل: یا ایها الذین امنوا ان جائکم فاسق بنیاء فتبینوا...^(۱)

[ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید...] و روایات زیادی که در باب قاعده حجیت خبر واحد در موضوعات وارد

شده است.

نظریه دوم - خبر واحد در موضوعات با اعتبار «عدالت» در مخیر معتبر و حجت است و وثاقت تنها کافی نیست و اشتراط عدالت در آن شاید به لحاظ احتیاط باشد و یا به دلالت ادله نقلی از جمله مفهوم مخالف مستفاد از آیه ۶ سوره حجرات که قبلاً ذکر شد. نظریه سوم - خبر واحد در موضوعات حجت و معتبر نیست بلکه در موارد تشخیص موضوعات چه در مقام تعیین حکم فقهی موضوع و چه در مقام ترفع و تجاذب تشخیص و تحریر موضوع نزاع علم و بینة (دو نفر مرد عادل) لازم است.

بر این نظریه این‌گونه استدلال شده است:

ذیل روایت «مسعدة بن صدقه» که دارد «والاشیاء کلها علی هذا حتی یستبین او تقوم به الینه»^(۱) این جمله از روایت طرق اثبات موضوعات خارجی را در استنباط (علم) و قیام بینة (دو نفر شاهد عادل) محصور نموده است. از این رو اگر خبر واحد حجیت داشت مانند آن دو طریق بیان می‌شد، مگر اینکه بگوییم این جمله در صدد حصر نیست چرا که بعضی از موضوعات خارجی با استصحاب و یا قاعده ذی‌الید اثبات می‌شود و یا اینکه بگوییم در این روایت «بینة» به معنای حجت و مابه‌البیان است در این صورت این روایت بر حجیت خبر واحد هم دلالت خواهد داشت. و لکن این توجیه صحیح نیست چرا که در محل خود ثابت شد که بینة در اصطلاح اخبار و روایات «دو شاهد عادل» می‌باشد.

حال با توجه به این نظریات اگر حجیت خبر واحد را در موضوعات خارجی بپذیریم و لکن تسری آن به باب قضاء و قضاوت و تنازع و تخاصم مشکل است و اعتبار نهادن به اخبار واحد ثقه یا عدل و اتخاذ تصمیم نمودن براساس آن دور از احتیاط قضایی است و احتیاط در هر کاری نیکو است و لکن در باب قضاء نیکوتر و لازمتر می‌باشد. از این رو استدلال به حجیت نظریه کارشناس از باب خبر واحد عدل یا ثقه متقن و استوار نیست

۱ - شیخ عاملی وسایل الشیعه ج ۱۲ - از ابواب مایکتب به حدیث: ۴

آری اگر گزارش مخبر واحد عدل یا نثه برای دادرس موجب حصول علم و اطمینان شود این حجت و معتبر خواهد بود. به لحاظ اینکه موجب حصول علم شده و قطعاً حجیت آن برگشت به علمی است که برای دادرس تحصیل شده است و در واقع اخبار وی طریقی برای حصول علم شده که آن علم حجت است.

و ظاهراً مناط اعتبار و ارزش نظریه کارشناس وفق مادتین ۷۸ و ۷۵۸ از دو قانون آیین دادرسی در امور کیفری و مدنی این مبنا را پذیرفته البته با لحاظ وثاقت تنها و نیز در بعضی از فتاوا بیان شده است.

سؤال - آیا تحقیقاتی که کارشناس دادگستری در امر تعیین قیمت سرفقلی می دهد مجاز است؟

جواب - معیار عادلانه روز با نظر کارشناسان مورد وثوق است.^(۱)

مبنای سوم - گواهی

تقریر مبنای سوم - اعتبار و حجیت گزارش کارشناس از باب شهادت و بیّنه باشد. گزارش و اعلام نظر کارشناس شهادت تلقی شود و بگوییم موضوعی که به کارشناس و خبره ارجاع داده می شود وقتی گزارش آنان معتبر و حجت است که حائز شرایط شهادت و شهود باشد کارشناس و خبره در موضوعی که اعلام نظر می کند علاوه بر اینکه با استفاده از تجربیات و معلومات و صلاحیت علمی خود استفاده می کند آن را به عنوان شهادت و گواهی ابراز نماید. اگر چنین شد تمامی احکام باب گواهی طابق النعل بالنعل در این مقام مطرح است، عدالت، تعدد، ذکوریت، ایمان، بلوغ، جرح و تعدیل و...

به چند تقریر می توان این مبنا را تبیین نمود

تقریر اول - گزارش کارشناس در خصوص موضوعی که به وی ارجاع داده شده اساساً خود نوعی شهادت است صرف حکایت از واقعه و موضوع نیست بلکه تخصص و علم او در آن مدخلیت دارد. از این رو تعدد در آن شرط خواهد بود چرا که نوعی بینة است.

تقریر دوم - اگر تردید داشته باشیم که گزارش اهل خبره مندرج در تحت خبر است یا شهادت به قدر متیقن ملتزم می شویم که آن شهادت است و در باب شهادت تعدد شرط است.

تقریر سوم - تلقی نمودن گزارش اهل خبره را از باب شهادت در واقع نوعی احتیاط قضایی است - الاحتیاط فی کل شیء حسن و فی مقام القضاء احسن.

تقریر چهارم - تلقی نمودن گزارش خبره را به عنوان شهادت و اشتراط تعدد در آن گفتیم از باب احتیاط قضایی و اخذ قدر متیقن است. از این جهت که اگر شک و تردید شود که گزارش اهل خبره از باب روایت است یا شهادت اصل در اینجا روایت است به سبب اینکه شهادت قسمی از خبر است و شارع مقدس در بعضی از موارد و مصادیق اعتبار تعدد نموده و مادامی که تعدد در موردی ثابت نباشد عموم آن ادله‌ای که دلالت بر حجیت قول خبر عادل دارد باقی می ماند. پس اصل عدم التعدد است. از این رو از باب «اخذاً للاحتیاط و اخذاً بالقدر المتیقن» تعدد را معتبر بدانیم.

این تقریر توضیحی بر تقریر دوم و سوم می باشد.

تقریر پنجم - هر آنچه مدخلیت در قضاء و فصل خصومت داشته باشد تعدد در آن شرط است. به استناد «انما افضی بینکم بالینات...»

مناقشه در استناد تقریر پنجم

اینکه هر آنچه مدخلیت در قضاء و فصل خصومت داشته باشد تعدد را در آن لحاظ کنیم نظر متین و استواری است و راهگشا، چرا که در بسیاری از موارد کارشناسی که از

پیچیدگی خاصی برخوردار است برای دادرسی حصول علم غیرممکن است. و از طرفی اگر اخبار واحد را نیز معتبر ندانیم موجب توقف دادرسی خواهد شد. از این رو برای خروج از این بن بست گزارش اهل خبره را اگر از باب شهادت معتبر بدانیم و تعدد و عدالت و دیگر شرایط لازمه را که در شهود است لحاظ کنیم حصول علم دیگر لازم نیست اگر چنانچه علم به خلاف آن نداشته باشیم این طریقت خواهد داشت و اعتبار و حجیت دارد. و این مطلب از استنادیه تقریر بنجم یعنی انما افضی بینکم بالبینات... مستفاد نمی شود چرا که هیچ گونه انصراف و اشعاری به این تقریر ندارد.

نتیجه

- ۱- مبنای قانونگذار در اعتبار و ارزش نظریه کارشناس و اهل خبره، واحد نیست.
- ۲- در اعتبار و حجیت گزارش اهل خبره و کارشناس در مورد کارشناسی چهار مبنا را می توان مورد توجه قرار داد.
- ۳- بهترین مبنا برای حجیت نظریه کارشناس مبنای سوم (گواهی) است که متناسب با مقام قضاء و دادرسی و متداعین و متخاصمین و عدالت قضایی است البته نه در همه موارد و موضوعات.

خلاصه مبانی حجیت نظریه کارشناس:

- ۱- حصول علم در همه موضوعات ملاک باشد.
- ۲- خبر واحد ثقه یا عدل در همه موضوعات کافی است.
- ۳- گواهی
- ۴- تفصیل - بدین توضیح که موضوعات متفاوت است مبانی اعتبار هم مختلف است.
 - الف) موضوعاتی که در آنها حصول علم و اطمینان لازم باشد.
 - ب) موضوعاتی که گزارش کارشناس واحد ثقه یا عدل کافی باشد.
 - ج) موضوعاتی که عدالت و تعدد در آنها لازم است. (گواهی)

چنانچه این تفصیل از یکی فتاوا که قبلاً بیان شده از آن مستفاد می‌گردد. این دسته‌بندی و تفکیک مستلزم معیارهای خاصی خواهد بود که تشخیص بدهیم موضوع کارشناسی از چه نوع موضوعاتی است که شرایط خاص آن را لحاظ نماییم. به نظر می‌رسد این نظر بهترین نظریات باشد و واقعیت هم همین است که موضوعات همسان و همگون نیستند فرضاً تشخیص اینکه این صدمه حارصه است یا دامیه به مراتب ساده‌تر و آسانتر از موردی است که تشخیص داده شود در یک حادثه رانندگی که تصادف رخ داده و منجر به صدمات جانی و مالی شده و صحنه تصادف هم به هم خورده کدام یک از رانندگان وسایل نقلیه مقصر حادثه است و خلاف مقررات رفتار نموده و یا تشخیص اینکه جانی و قاتل دچار جنون رافع مسؤلیت کیفری در حین ارتکاب جرم بوده یا نه بنابراین همه موضوعات از پیچیدگی همسانی برخوردار نمی‌باشند.

لازم می‌دانم در پایان این نکته متعرض شوم مطالبی که در مبحث مبنای دوم و سوم بیان شد یعنی ابتدای موضوع و دایره مدار قرار دادن آن از باب روایت یا شهادت، اقتباسی از گفتار فقیهان در کتب فقهی و در موضوع نیاز قاضی به مترجم بوده است که به جهت وحدت ملاک همان نکات و موضوعات را در خصوص گزارش کارشناس و خبره هم بیان کردیم.